

نگاهی اجمالی به قطع نامه های شورای امنیت در

مورد جنگ ایران و عراق

علی رضا خداقلی پور*

چشم پوشید.

شورای امنیت پس از نخستین قطع نامه خود، در حالی که عراق در صدد تحکیم مواضع به دست آمده بود، برای مدتی طولانی (۲۱ ماه و ۱۵ روز) سکوت کرد. اما در پی انجام عملیاتهای نامن الاثمه، طریق القدس، فتح العبین و بیت المقدس، که به شکست حصر آبادان، آزادی بستان، آزادی مناطق وسیعی از غرب شوش و دزفول و بالاخره، آزاد سازی خرمشهر انجامید، بار دیگر بر آن شد تا سکوت خود را بشکند؛ بنابراین، بر اساس پیشنهاد اردن، قطع نامه ۵۱۴ را به تصویب رساند. در مقدمه این قطع نامه، شورا نگرانی خود را از طولانی شدن درگیری بین دو کشور و کشته شدن انسانهای بی گناه، آسیب رسیدن به اماکن و تأسیسات و در خطر بودن صلح و امنیت جهانی ابراز کرد و خواستار آتش بس سریع و عقب نشینی نیروهای دو طرف به مرزهای شناخته شده بین المللی از طریق اعزام نیروهای حافظ صلح و ناظران سازمان ملل به منطقه شد، بدون آنکه به حضور عراق در خاک ایران اشاره ای بکند.

بند دیگری از این قطع نامه از دیگر دولت‌های عضو سازمان ملل درخواست می کرد از هر گونه اقدامی که به تداوم یا تشدید جنگ بینجامد، خودداری کنند. این درخواست در حالی عنوان می شد که اعضای دائم شورای امنیت، از حامیان اصلی دولت عراق و ادامه جنگ بودند. در واقع، به جز هدف اصلی، یعنی تضعیف یا در صورت امکان، فروپاشی حکومت نوپای جمهوری اسلامی ایران،

در نگاه نخست، قطع نامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد درباره جنگ ایران و عراق کاملاً، عادلانه و ناظر بر منافع دو طرف درگیر در جنگ به نظر می رسد، اما زمانی که در کنار وقایعی که معارن یا پیش از هر یک از این قطع نامه ها در جنگ حادث شده اند، بررسی شوند، کاملاً بر عکس اند و غرض ورزی و جانبداری برخی از اعضا را آشکار می کنند. شاید نگاه اجمالی و گذرا، به عوامل مؤثر در تصویب این قطع نامه ها و مفاد هر یک از آنها بتواند صحت و دقت این ادعا را بیشتر آشکار کند.

در تاریخ ۳۱ شهریور ماه سال ۱۳۵۹ ه. ش. نیروهای عراقی با تجاوز به مرزهای جمهوری اسلامی ایران، حدود سی هزار کیلومتر مربع از خاک کشور را به اشغال خود در آوردند و این کار را آزادسازی مناطق اشغالی عنوان کردند. شش روز بعد، شورای امنیت نخستین قطع نامه خود را به شماره ۲۷۹ با نام بررسی وضعیت میان ایران و عراق صادر کرد. در این قطع نامه، به وجود تهدید علیه صلح، نقض صلح، وقوع تجاوز و نقض تمامیت ارضی ایران اشاره ای نشده بود. این توهیه، نه برقراری آتش بس یا بازگشت به مرزهای بین المللی، بلکه تنها خودداری از توسل بیشتر به زور را از دو طرف خواسته بود. در واقع، این قطع نامه آگاهانه از تجاوز و حمله عراق به مرزهای جمهوری اسلامی ایران و تحمیل جنگ و وضعیت اسفبار مردم جنوب غرب کشور که نتیجه حمله عراق به اهداف غیر نظامی و افراد غیر مسلح بود،

* کارشناس ارشد روابط بین الملل و کارشناس وزارت امور خارجه

دبیرکل سازمان ملل متحد در مورد حمله به مناطق مسکونی در کشور قطع نامه ۵۴۰ شورای امنیت صادر شد و نقض حقوق بشر، به ویژه مفاد عهدنامه ژنو ۱۹۴۹ را در تمام ابعاد آن محکوم کرد و خواهان توقف عملیاتهای نظامی علیه اهداف انسانی از جمله شهرها و مناطق مسکونی شد. بدون اینکه به حملات متعدد عراق به مناطق مسکونی کشورمان اشاره ای کند. این در حالی بود که عراق به دنبال حملات متعدد به اهداف غیرنظامی در جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳ و ۱۷ بهمن ماه سال ۱۳۶۲ رسماً اعتراف کرد که شهرهای دزفول، اندیشک، اهواز، باختران، ایلام، آبادان، شوش، رامهرمز، مسجدسلیمان، بندر امام خمینی و بهبهان را هدف حملات هوایی و موشکی قرار داده است. با این حال هر چند این قطع نامه نیز نامی از عراق به میان نیلورد، اما در صدد جلب توجه جمهوری اسلامی ایران برآمد و برای نخستین بار، بر لزوم بررسی واقع بینانه غلط آغاز جنگ، که پیوسته ایران بر آن تأکید داشت، اشاره کرد.

در اواخر سال ۱۳۶۳، به دنبال به کارگیری سلاحهای شیمیایی از سوی عراق، جمهوری اسلامی ایران طبق حق مشروع خود، مندرج در قطع نامه ۵۷۳/۲۴ از سازمان ملل خواست تا هیتی را برای بررسی موضوع به منطقه اعزام کند. در فاصله زمانی ۲۳ تا ۲۹ اسفند ماه همان سال که هیئت اعزامی سازمان ملل به دنبال کشف واقعیت بود،

فروش تسلیحات نیز از جمله منافع عمده قدرتهای مزبور در این جنگ محسوب می شد. در همین زمینه، پرونسور کاستایگر، اندیشمند سوئدی، ضمن سخنرانی خود در واشنگتن در سال ۱۳۶۵ به این نکته اشاره می کند که عراق ۶۰ درصد تسلیحات خود را از شوروی، ۲۰ درصد از فرانسه و بقیه را از چین و سایر قدرتهای بزرگ دریافت می کند.^۱

در ۱۲ مهر ماه سال ۱۳۶۱ شورای امنیت قطع نامه ۵۲۲ را صادر کرد. در فاصله بین قطع نامه ۵۱۴ و ۵۲۲ نیروهای ایران دو عملیات بزرگ را اجرا کردند. نخستین عملیات با نام رمضان، در روز پس از تصویب قطع نامه ۵۱۴ و دومین آن با نام مسلم بن عقیل در تاریخ ۹ مهر ماه سال ۱۳۶۱ به اجرا درآمدند. ویژگی این عملیات عبور از مرزها با هدف تیبیه متجاوز و تسلط بر بخشی از خاک عراق بود. به دنبال این تحولات، عراق و برخی از کشورهای عرب تالانهای دیپلماتیک گسترده ای را در سازمان ملل آغاز کردند.

شورای امنیت در قطع نامه ۵۲۲ ضمن تکرار برخی از بندهای قطع نامه پیشین، مجدداً بدون آنکه عراق را متجاوز بنامد، خواهان عقب نشینی نیروهای دو طرف شد. ضمن اینکه از اعلام آمادگی یکی از آنها برای همکاری در اجرای قطع نامه ۵۱۴ استقبال کرد و همکاری طرف دیگر را نیز خواستار شد.

در تاریخ ۹ آبان ماه سال ۱۳۶۲ به دنبال گزارش نماینده



۱. قطع نامه ۵۷۳/۲۴ اشعار می دارد هر گاه در بخشی از یک کشور، نقض مقررات بین المللی، به ویژه پروتکل ۱۹۲۵ ژنو تهدیدی جدی برای صلح و امنیت بین المللی ایجاد کند، سازمان ملل باید بی درنگ گروهی از کارشناسان این موضوع را به منطقه اعزام نماید.

اقدام شورای امنیت درباره محکومیت استفاده از سلاحهای شیمیایی به صورت کلی و بدون ذکر نام عراق، با توجه به وضعیت نابسامان این کشور در جنگ و جو غالب افکار عسری در جهان تحت تأثیر ایالات متحده و دیگر قدرتهای غربی حامی عراق، با این هدف صورت می گرفت که ایران و عراق را از این نظر در وضعیت یکسانی قرار دهد



قطع نامه های پیشین دیده نمی شد با آنکه مسئولیت و علل آغاز تجاوز به منزله اساسی ترین موضوع به صورت مبهم در این قطع نامه مطرح شد، اما این بار نیز شورا از برخورد ریشه ای و اساسی با این مسئله خودداری کرد.

هر چند قطع نامه ۵۸۸ در حالی در تاریخ ۱۶ مهر ماه سال ۱۳۶۵ به تصویب رسید که هیئت کارشناسان اعزامی سازمان ملل در گزارش شماره ۵۱۱۹۷۱ مورخ ۲۱ اسفند ماه سال ۱۳۶۴، به استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی اشاره و شورای امنیت در ۱ فروردین ماه سال ۱۳۶۵ به صورت غیر رسمی عراق را به دلیل به تازگی سلاحهای شیمیایی محکوم کرده بود. اما علت صدور آن را بنید افزایش حملات به کشتیهای تجاری کشورهای ثالث در خلیج فارس و توسعه حوزه جنگ نفتکشها دانست. قطع نامه ۵۸۸ جز تأکید بر نقش شورای امنیت، مطلب جدیدی در برداشت در قسمتی از این قطع نامه آمده است: «دولتهای عضو موافقت کرده اند نقش شورای امنیت را در حل اختلاف بپذیرند».

در تاریخ ۲۹ تیر ماه سال ۱۳۶۶، قطع نامه ۵۹۸ به اتفاق آرا تصویب شد. این قطع نامه با قطع نامه های پیشین شورا متفاوت بود. مهم ترین تفاوت آن از نظر صوری، قرار گرفتن آن در قالب فصل ۷ منشور ملل متحد بود که آن را از حالت توصیه خارج و برای دو طرف جنگ لازم الاجرا می کرد. از نظر محتوایی نیز، این قطع نامه از قطع نامه های پیشین جامع تر بود و در آن، سعی شده بود تا دیدگاهها و خواسته های ایران مورد توجه قرار گیرد. عنوان قطع نامه ۵۹۸، مانند دیگر قطع نامه ها، به وضعیت مابین ایران و عراق بلکه تصمیم برخاسته از اعتقاد شورای امنیت بود که با واژه های مصمم، خواستار، نصرانه عنوان شده بود. این قطع نامه، از نظر کمی و تعداد واژه های به کار گرفته شده، منضبط ترین؛ از نظر محتوا، اساسی ترین؛ و از نظر ضمانت

عراق در بار سلاحهای شیمیایی را علیه نیروهای ایران به کار گرفت. بدین ترتیب، در اول فروردین ماه سال ۱۳۶۳، هیئت مزبور رسماً استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی را اعلام کرد. در تاریخ ۹ فروردین ماه نیز، شورای امنیت به رغم محکوم کردن استفاده از سلاحهای شیمیایی، نه اشاره ای به عراق و نه قطع نامه ای را در این زمینه صادر کرد.

در ۱۱ خرداد ماه سال ۱۳۶۳، شورای امنیت به دنبال شکایت کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس علیه جمهوری اسلامی ایران مبنی بر حمله به کشتیهایشان، قطع نامه ۵۵۲ را صادر کرد. در پی صدور این قطع نامه، جمهوری اسلامی ایران طی نامه ای به دبیر کل از هرگونه اقدامی که برای تأمین آزادی و امنیت کشتیرانی در خلیج فارس صورت گیرد، حمایت و استقبال کرد، با این حال حمله به کشتیها همچنان ادامه یافت و صدور قطع نامه ۵۸۲ نیز نتوانست مانع از آن شود.

در فاصله تصویب دو قطع نامه ۵۵۲ و ۵۸۲، ایران عملیاتهای متعددی را انجام داد که عملیات والفجر ۸ و تصرف شبه جزیره فو مهم ترین آنها بود. چند روز پس از این اقدامات، شورای امنیت به درخواست عراق و دیگر اعضای گروه هفت نفری اتحادیه عرب، جلسه ای را با شرکت نمایندگان از کشورهای عربی و دبیرکل اتحادیه عرب تشکیل داد. طی این جلسه، گروه اتحادیه عرب طرح قطع نامه ۵۸۲ را پیشنهاد کرد که در ۵ اسفند ماه ۱۳۶۴، با تغییراتی در کلمات و عبارات به تصویب شورای امنیت رسید. در این قطع نامه، شورا به جای شناسایی و اعلام منجاوز، برای نخستین بار از طولانی شدن جنگ ابراز نگرانی کرد و اصل غیرقابل قبول بودن تصرف زمین از راه ترسل به زور را مورد تأکید قرار داد؛ موضوعاتی که در

اجراء قوی ترین قطع نامه شورای امنیت بود. در قطع نامه ۵۹۸، نقض صلح با استناد به ماده ۳۹ منشور، احراز شد و اعضای شورای امنیت قصد شورا را برای دخالت عملی و ایفای نقش فعال در پایان دادن به جنگ و حل و فصل اختلافات نشان دادند. همین جامعیت نسبی از دبیرکل سازمان ملل تقاضا کرده بود تا پس از مشورت با دو طرف درگیر، گروه منصف و بی طرفی را برای تحقیق در مورد مسئولیت آغاز و ادامه جنگ و همچنین، گروهی از کارشناسان را برای برآورد میزان خرابیها و خسارات وارده به دو طرف درگیر و هزینه بازسازی آنها با کمکهای بین المللی تعیین و به شورای امنیت معرفی کند.

در ۲۸ اسفند ماه سال ۱۳۶۶، عراق سلاحهای شیمیایی را در ابعاد بسیار وسیعی علیه مردم در حلبچه به کار گرفت. بعد از این فاجعه، که به کشته و مجروح شدن بسیاری از انسانهای بی گناه، که عمدتاً از اتباع عراق بودند، منجر شد، نماینده جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل رسماً از این سازمان اعزام هیئت کارشناسی به منطقه رادرخواست کرد. با اینکه تصور می شد به دلیل شدت و وسعت فاجعه، سازمان ملل نیز موضع قطعی علیه عراق اتخاذ کند، این

پنجاه روز پس از فاجعه حلبچه در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۷، شورای امنیت قطع نامه ۶۱۲ را صادر کرد. هرچند این قطع نامه نیز به ابتکار آلمان غربی، ایتالیا و ژاپن با توجه به گزارش ۵ اردیبهشت ماه دبیرکل در مورد اعلام

در ۲۸ اسفند ماه سال ۱۳۶۶، عراق سلاحهای شیمیایی را در ابعاد بسیار وسیعی علیه مردم در حلبچه به کار گرفت. بعد از این فاجعه، که به کشته و مجروح شدن بسیاری از انسانهای بی گناه، که عمدتاً از اتباع عراق بودند، منجر شد، نماینده جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل رسماً از این سازمان اعزام هیئت کارشناسی به منطقه رادرخواست کرد. با اینکه تصور می شد به دلیل شدت و وسعت فاجعه، سازمان ملل نیز موضع قطعی علیه عراق اتخاذ کند، این

ماهها پس از آتش بس، نیروهای عراقی همچنان در خاک ایران حضور داشتند، ولی شورای امنیت بدون اینکه به طور مستقیم به این موضوع اشاره کند، تنها از دو طرف درگیر می خواست که مفاد قطع نامه ۵۹۸ را به اجرا درآورند



* ماده ۷ منشور به صراحت ابراز می کند که «از زمان ملل برای حفظ صلح و امنیت بین المللی اقدامات جمعی و مجازاتی علیه ناقض قوانین بین المللی در نظر می گیرد».

دائم ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل، درباره تصویب قطع نامه ۶۱۲ ابراز کرد: «ما هر گونه استفاده از سلاحهای شیمیایی از سوی دو کشور ایران و عراق را محکوم می‌کنیم». این اقدامات در حالی صورت می‌گرفت که طارق عزیز، معاون نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه عراق، در سال ۱۹۸۶، در جریان سفر رسمی سه روزه خود به برزیل اعتراف کرده بود که عراق در جنگ علیه ایران بارها و در موارد مختلف از سلاحهای شیمیایی استفاده کرده است.^۸ از دیگر نکات در خور توجه درباره قطع نامه ۶۱۲ اینکه در حالی که چند روز پیش از صدور این قطع نامه، در فاصله روزهای ۱۵ فروردین ماه تا ۳ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۷، طبق آمار رسمی، ۱۳۲ مورد حمله هوایی و موشکی به شهرهای مختلف کشورمان صورت گرفته بود و ۱۱۰۵ واحد مسکونی، ۱۴۰ واحد تجاری، ۶ واحد درمانی، ۱۰ واحد آموزشی، ۱۱۸ وسیله نقلیه و ۱۱ مسجد و حسینیه صدمات کلی یا جزئی دیده که طی آن ۵۴۰ نفر شهید و ۲۹۴۱ نفر مجروح شده بودند، این قطع نامه به حملات مکرر عراق به اهداف غیر نظامی کشورمان هیچ گونه اشاره‌ای نکرده بود.

در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۷، نیروی هوایی عراق با پشتیبانی نیروهای آمریکایی مستقر در خلیج فارس نفتکشهای پهلو گرفته در جزیره لارک را هدف قرار دادند.^۹ ضمن اینکه در ۲۷ و ۲۸ همین ماه، نیز مناطق مسکونی سردشت، بانه و مریوان را بمباران شیمیایی کردند.^{۱۰} اما به رغم اعتراض رسمی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، شورای امنیت در قطع نامه ۶۱۹ خود مورخ ۱۸ مرداد ماه سال ۶۷، هیچ توجهی به این موضوع نکرد و تنها خواهان اجرای بخش عملیاتی قطع نامه ۵۹۸ و تشکیل گروه ناظر سازمان ملل (یونیسماک) برای یک دوره فعالیت شش ماهه در منطقه شد.

در تاریخ ۴ شهریور ماه سال ۱۳۶۷، قطع نامه ۶۲۰ شورای امنیت در حالی صادر شد که از مدتی پیش، جمهوری اسلامی ایران قطع نامه ۵۹۸ را پذیرفته بود. این قطع نامه با توجه به گزارشهای هیئت اعزامی دبیرکل سازمان ملل به منطقه، از اینکه استفاده از سلاحهای شیمیایی علیه ایران شدیدتر و بیشتر شده است، ابراز تأسف می‌کرد. در واقع، این برای نخستین بار بود که در قطع نامه‌های شورای امنیت، به استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی - هر چند به طور غیر مستقیم - اشاره می‌شد، اما سایر بندهای قطع نامه به تکرار مفاد قطع نامه‌های پیشین می‌پرداخت و همچنان خبری از محکومیت عراق به واسطه تقض مقررات

نظر گروه اعزامی به منطقه درباره استفاده از سلاحهای شیمیایی در جنگ ایران و عراق، به شدت ادامه به کارگیری از سلاحهای شیمیایی را در جنگ محکوم کرد و از دیگر دولتهایز خواست تا صدور محصولات شیمیایی خود را به دو طرف جنگ به دلیل آنکه ممکن است در تولید سلاحهای شیمیایی به کار گرفته شوند، کنترل بیشتری کنند، اما همچون دیگر قطع نامه‌های آن سازمان از عراق و جنایتهای حکام آن در حلبچه سخنی به میان نیاورد.

به نظر می‌رسد که این اقدام شورای امنیت درباره محکومیت استفاده از سلاحهای شیمیایی به صورت کلی و بدون ذکر نام عراق، با توجه به وضعیت نایب سامان این کشور در جنگ و جو غالب افکار عمومی در جهان تحت تأثیر ایالات متحده و دیگر قدرتهای غربی حامی عراق، با این هدف صورت می‌گرفت که ایران و عراق را از این نظر در وضعیت یکسانی قرار دهد. همان طور در جریان همایش امنیت خلیج فارس و جنگ ایران و عراق، که در اردیبهشت ماه ۱۳۶۷ در واشنگتن برگزار شد، ورنون والترز، نماینده

قطع نامه ۴۷۹، نه برقراری آتش بس با بازگشت به مرزهای بین المللی، بلکه تنها خودداری از توسل بیشتر به زور را از دو طرف خواسته بود



بین‌المللی نبود.

قطع نامه‌های ۶۳۱ مورخ ۱۹ بهمن ماه سال ۱۳۶۷ و ۶۴۲ مورخ ۷ مهر ماه سال ۱۳۶۸ نیز، مطالب مهمی را در برداشتند و تنها به توصیه به دو طرف برای اجرای کامل مفاد قطع نامه ۵۹۸ اکتفا می‌کردند، ضمن اینکه مأموریت گروه نظارت سازمان ملل (یونیسماگ) نیز در دو مرحله و در نهایت، تا تاریخ ۱۱ فروردین ماه سال ۱۳۶۹ تمدید شد. هر چند این گروه نیز در اجرای بی‌طرفانه مأموریت خود چندان موفق نبود و در موارد متعدد، از تأیید نقض مواد قطع نامه ۵۹۸ از سوی نیروهای عراقی خودداری کرد.

مامها پس از آتش‌بس، نیروهای عراقی همچنان در خاک ایران حضور داشتند، ولی شورای امنیت بدون اینکه به‌طور مستقیم به این موضوع اشاره کند، تنها از دو طرف درگیر می‌خواست که مفاد قطع نامه ۵۹۸ را به اجرا در آورند. این در حالی بود که گروه نظارت سازمان ملل (یونیسماگ) نیز در منطقه حاضر بود و وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در گزارشهای متعدد خود به‌طور مرتب تخلفات عراق را به اطلاع این سازمان و شخص دبیرکل می‌رساند. تا اینکه با تغییر سیاست منطقه‌ای عراق، این کشور قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را مجدداً پذیرفت و از مناطق مزبور عقب‌نشینی کرد.

ارزیابی و نتیجه

از آنچه گفته شد، به روشنی می‌توان عملکرد جانبدارانه سازمان ملل متحد، به‌ویژه شورای امنیت را در قبال جنگ ایران و عراق مشاهده کرد. البته، همان‌طور که اشاره شد، چنین عملکردی در صدور قطع نامه‌های شورای امنیت با توجه به ترکیب اعضای دائم این شورا (امریکا، انگلستان، شوروی، چین و فرانسه) قابل پیش‌بینی بود. در مجموع، محورهای بی‌عدالتی قطع نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل درباره جنگ ایران و عراق را می‌توان چنین تبیین کرد: (۱) در حالی که مسئولیت آغاز هر جنگی اصولاً قابل تقسیم نیست و مامیت و مسئولیت واحدی دارد، هیچ یک از قطع نامه‌های شورای امنیت به مسئولیت مستقیم عراق در آغاز و ادامه جنگ اشاره‌ای نکردند؛

(۲) علی‌رغم موارد متعدد جنایات عراقی، حکومت این کشور در هیچ یک از قطع نامه‌های شورای امنیت به منزله مسئول جنایتهای جنگی محکوم نشد؛

(۳) با وجود استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی، حمله به

اهداف غیر نظامی، عدم اعلام صحیح و صریح تعداد اسیران جنگی، بدرقتاری با آنها و ... که با حقوق بین‌الملل کاملاً مغایرند، هیچ یک از قطع نامه‌های شورای امنیت در دوران جنگ به نقض مکرر مقررات بین‌المللی از جانب عراق اشاره‌ای نکردند؛ و

(۴) موضع گیریهای شورا و قطع نامه‌های آن کمترین تأثیر را در تخفیف جنایتهای عراق داشتند و حتی در مواردی، ضعف مواضع شورا تشدید اقدامات عراق را نیز موجب می‌شد.

یادداشتها

۱. آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه؛ نمایندگی نیویورک؛ دوره پایگانی ۱۳۶۵-۱۳۶۷، کارتن ۳۵، پ ۲۵۹.
۲. آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه؛ نمایندگی نیویورک؛ دوره پایگانی ۱۳۶۵-۱۳۶۷، کارتن ۳۱، پ ۲۲۶.

3. UN.Doc. Res 588 (1986).

۴. آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه؛ نمایندگی نیویورک؛ دوره پایگانی ۱۳۶۵-۱۳۶۷، کارتن ۳۹، پ ۲۸۲.
۵. آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه؛ دوره پایگانی ۱۳۶۵-۱۳۶۷، کارتن ۲۰، پ ۲۸۷.
۶. روزنامه Dohoyo Bereulence چاپ برازیلیه؛ آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه؛ نمایندگی نیویورک؛ دوره پایگانی ۱۳۶۵-۱۳۶۷، کارتن ۳۳، پ ۲۵۳.
۷. آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه؛ نمایندگی نیویورک؛ دوره پایگانی ۱۳۶۵-۱۳۶۷، کارتن ۲۳، پ ۲۰۴، گزارش نمایندگی جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل به دبیرکل سازمان.
۸. آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه؛ نمایندگی نیویورک؛ دوره پایگانی ۱۳۶۵-۱۳۶۷، کارتن ۲۰، پ ۲۸۷.
۹. آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه؛ نمایندگی نیویورک؛ دوره پایگانی ۱۳۶۵-۱۳۶۷، کارتن ۲۰، پ ۲۸۷.